

رفته بودیم پای درس اخلاق حضرت آیت الله خوشوقت سخنرانی که تمام شد دور حاج آقا جمع شدیم مصطفی از حاج آقا پرسید: ظهور نزدیکه؟ حاج آقا گفت: تا شما توی نطنز چکار کنید. مصطفی تعجب کرد و پرسید یعنی کار ما به ظهور ربط داره؟ حاج آقا گفت آره شما برید سرکار یک ثانیه هم از دست ندید با چراغ خدا برید با چراغ خدا بیایید.

... راستش بهانه زیاد بود تا کار را رها کنیم و برویم (پست های بالاتر، دوری از خانواده، گرمای شهر) ولی از وقتی حاج آقا گفته بود رهبر چقدر پی گیر بحث هسته است مصطفی خواب و خوراک نداشت. ورد زبانش شده بود «باید کاری کنیم از دغدغه های آقا کم بشود»